

نقش خانواده در مشکلات تحصیلی نوجوانان (۲)

در مقاله قبلی به تعریفی از مشکلات تحصیلی اشاره کردیم و عوامل موثر در ایجاد آن را بیان کردیم، حال می‌خواهیم در ادامه به دو مشکل مهم که در دوران تحصیل گریبان گیر دانش‌آموزان و خانواده‌ها می‌شود را بررسی کنیم. **فرار از مدرسه یا ترس از مدرسه:**

در طول دوران تحصیل، دانش‌آموزان با روحیات و تفاوت‌های فردی مختلفی وارد مدرسه می‌شوند و تنها عده‌ای از آن‌ها می‌توانند این دوران را با موفقیت به پایان برسانند و به اخذ مدرک تحصیلی نائل آیند. در این مسیر، عده‌ای نیز به هر حال با تکرار پایه یا تکرار واحد دروس خاص موفق به ادامه‌ی تحصیل می‌شوند. تنها تعداد معدودی از آن‌ها به علل مختلف ممکن است در حین تحصیل با مشکلاتی مواجه شوند که این مشکلات مانعی در تحصیل آن‌ها ایجاد کند. لذا مجبور به ترک تحصیل در سنین بالاتر و فرار از مدرسه یا مدرسه‌گریزی در سنین پایین می‌شوند.

اصطلاحات، فرار از مدرسه، هراس از مدرسه، روگردانی از مدرسه و مدرسه‌گریزی همگی از نظر ارتکاب عمل باهم وجه اشتراک دارند و آن عدم حضور دانش‌آموز در مدرسه به صورت غیرموجه است. به عبارت دیگر شامل غیبت‌های مکرر از مدرسه به صورت غیرموجه است. البته این غیبت‌های غیرموجه با واکنش و تذکرات مدرسه و خانواده توأم می‌شود. و لیکن فرآیند عمل‌طوری است که غیبت‌های ساعتی روزانه، هفتگی به غیبت‌های ماهانه تبدیل می‌شود سپس یکی از اصطلاحات فوق را به خود اختصاص می‌دهد. در بررسی مسئله غیبت به این نتیجه رسیده‌اند که مدرسه‌گریزان به طور متناوب غیبت می‌کنند به طوری که پدر و مادرشان از غیبت‌های آن‌ها بی‌اطلاع هستند؛ درحالی‌که مدرسه‌هراسان به طور پیوسته و طی دوره‌های طولانی به مدرسه نمی‌روند و پدر و مادرشان نیز از این مساله اطلاع دارند. از دیدگاه صاحب نظران فرار از مدرسه یک رفتار غیر اجتماعی و ضد اجتماعی به حساب می‌آید.

علل فرار از مدرسه. برای پیدا کردن علل و ریشه‌هایی نظیر فرار از مدرسه در کودکان، نوجوانان و جوانان باید علل و عوامل مختلفی را جستجو کرد که عبارتند از:

۱- **خانواده‌ی از هم گسیخته:** در بعضی از خانواده‌ها به علت فوت یا جدا شدن والدین از یکدیگر و نبود سرپرست هرج‌ومرج به وجود می‌آید و مشاجرات

لفظی، نزاع و کشمکش و عدم تفاهم اخلاقی و عقیدتی و رفتارهای خلاف حکم فرما می‌شود.

۲- **مردود شدن:** مردود شدن در بعضی از واحدهای درسی و مردود شدن که ممکن است به علت ضعف پایه‌ی تحصیلی و یا افت ناگهانی تحصیل باشد.

۳- **بی‌علاقگی به درس:** دانش‌آموزانی که نسبت به درس بی‌علاقه هستند نسبت به آینده خود، ناامید و مأیوس می‌شوند و اظهار می‌دارند که درس را نمی‌فهمم یا مغزم گنجایش ندارد. می‌توان از سخنان آنان به این نتیجه رسید که رفتن به مدرسه برایشان بی‌فایده است. چنانچه دانش‌آموز را به یک رشته فنی هدایت شود از مدرسه‌گریزی آن‌ها جلوگیری می‌شود.

۴- **ترس از تنبیه شدن:** تنها بعضی از معلمان با اولیای مدرسه برای تعلیم مطالب آموزشی به دانش‌آموزان ضعیف یا جلوگیری از شیطنت دانش‌آموزان به تنبیه بدنی متوسل می‌شوند که از نظر اخلاقی، دینی و قانونی کاری خلاف است.

۵- **بی‌توجهی والدین نسبت به فرزند:** بی‌توجهی هنگامی که از حد خودش بگذرد دانش‌آموز مجبور می‌شود تا با لباس‌های کثیف، کهنه و با کفش‌های پاره به مدرسه برود، گاهی نیز بدون توجه به صرف صبحانه و نهار دانش‌آموز وارد مدرسه می‌شود.

۶- **عدم رفاه مالی:** نداشتن وضع مالی مناسب نیز یکی از علل مدرسه‌گریزی است. گاه به علت نیاز مالی خانواده، دانش‌آموز مجبور است کار کند لذا کار وی باعث می‌شود تا وی نتواند سروقت به کارهای تحصیلی‌اش بپردازد.

۷- **تبعیض قائل شدن:** تبعیض قائل شدن بین دانش‌آموزان به وسیله دبیران و سایر کارکنان مدرسه باعث به وجود آمدن فاصله بین آن‌ها و سایر دانش‌آموزان می‌شود.

ادامه دارد ...

نگارش: الهه مهر منش - دکتری روانشناسی سلامت

